### جنگ اوکراین رقابت تسلیحاتی را افزایش داده است

# رکورد کم‌سابقه بودجه نظامی اروپا

تازه‌ترین تحقیقات نشان می‌دهد هزینه‌های نظامی کشورهای اروپایی در سال ۲۰۲۲ با ثبت یک رکورد پس از جنگ سرد روبه‌رو است. افزایش بودجه دفاعی کشورهای اروپایی پس از جنگ اوکراین که فوریه سال ۲۰۲۲ آغاز شد، در ۳۰ سال اخیر بی‌سابقه است. بر اساس داده‌های مؤسسه بین‌المللی تحقیقات برای صلح، موسوم به «سیپری»، در مجموع تمام قاره‌ها، اروپا بیشترین هزینه نظامی را نسبت به تولیدات ناخالص داخلی در سال گذشته میلادی کرده است. کشورهای قاره سبز دوهزارو ۲۴۰ میلیارد دلار رقمی معادل ۲.۲ درصد تولید ناخالص داخلی جهان را صرف هزینه‌های نظامی کرده‌اند. البته هزینه‌های نظامی اروپایی‌ها فراتر از جنگ اوکراین، در هشت سال گذشته روند افزایشی را تجربه کرده است.

تنها در سال ۲۰۲۲ کشورهای عضو اتحادیه اروپا ۱۳ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۱ برای ارتش و تجهیزات نظامی هزینه کرده‌اند؛ رقمی که به گفته مؤسسه بین‌المللی تحقیقات برای صلح از زمان پایان جنگ سرد بی‌سابقه است. اوکراین به تنهایی هزینه‌های نظامی خود را هفت برابر افزایش داد و به ۴۴ میلیارد دلار، معادل یک‌سوم تولید ناخالص داخلی خود رساند. این مبلغ بدون احتساب ده‌ها میلیارد دلار کمک تسلیحاتی به این کشور است. هزینه‌های نظامی روسیه نیز در یک سال گذشته ۹.۵ درصد رشد داشته است.

محققان «سیپری» می‌گویند همچنان در سال‌های پیش‌رو شاهد روند افزایشی هزینه‌های نظامی دفاعی در اروپا خواهیم بود. این در حالی است که پس از جنگ سرد و کاهش نگرانی‌های مربوط به جنگ در اروپا تا اواخر دهه ۹۰ میلادی، هزینه‌های نظامی قاره کهن و جهان روند کاهشی را تجربه کرد که البته پس از یازدهم سپتامبر سال ۲۰۰۱ دوباره جهت نمودارها عوض شدند. «نان تیان»، یکی از نویسندگان این گزارش، در مورد علل افزایش خیره‌کننده این آمار به خبرگزاری فرانسه گفت به‌جز جنگ اوکراین که موجب «افزایش بودجه نظامی» در کشورهای اروپایی شد، «تنش‌های حل‌نشده و فزاینده در شرق آسیا» نیز دلیل دیگری بوده است که هزینه‌های نظامی در سطح جهان را در سال ۲۰۲۲ به نسبت سال پیش از آن با افزایش ۳.۷ درصدی مواجه کرد.

کشورهای عضو ناتو حداقل از سال ۲۰۱۴ که روسیه شبه‌جزیره کریمه در اوکراین را ضمیمه خاک خود کرد، هزینه‌های دفاعی خود را افزایش دادند. در واکنش به این اقدام روسیه و حمایت مسکو از جدایی‌طلبان شرق اوکراین، اعضای ناتو تصمیم گرفتند دو درصد از تولید ناخالص داخلی خود را تا سال ۲۰۲۴ صرف هزینه‌های دفاعی کنند. از آن زمان تاکنون شمار زیادی از اعضای ناتو توانسته‌اند به آرامی به سمت این هدف حرکت کنند.

هرچند آمارهای ارائه‌شده در گزارش مؤسسه سیپری در نگاه اول خیره‌کننده به نظر می‌رسند، اما نگاهی دقیق‌تر به این اعداد و ارقام نشان می‌دهند که افزایش هزینه‌ها اغلب کمتر از آنچه گمان می‌رود، چشمگیر بوده است. برای نمونه در حالی که میزان هزینه‌های نظامی در جهان در سال ۲۰۲۲ به بیش از دو تریلیون دلار رسیده است، بررسی‌ها نشان می‌دهند که این هزینه‌ها به نسبت آمار سال ۲۰۱۳، یک‌دهم درصد کمتر از سهم تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده‌اند. نکته دیگر اینکه هرچند شمار زیادی از کشورهای جهان در ۱۰ سال گذشته بودجه‌های نظامی خود را افزایش داده‌اند، نظیر چین (۶۳ درصد)، هند (۴۷ درصد) و اسرائیل (۲۶ درصد)، اما با این حال در همه این کشورها سهم هزینه‌های تسلیحاتی از کل تولید اقتصادی کاهش یافته است.

تورم بی‌سابقه یک عامل کلیدی در این رابطه بوده است. افزایش قیمت‌های ناشی از تورم موجب شده تا همان‌گونه که قیمت مواد غذایی در جهان افزایش پیدا کرده، یک جت جنگی نیز در مقایسه با سال‌های گذشته گران‌تر شود. به گزارش مؤسسه سیپری در چنین شرایطی اگر کشوری نه‌تنها در پی به‌روزرسانی، بلکه به دنبال گسترش ارتش خود باشد، باید بیش از پیش هزینه صرف کند.

همچنین بر اساس مطالعات مؤسسه «اقتصاد جهانی کیل» مستقر در آلمان، ایالات متحده به تنهایی ۴۷ میلیارد دلار کمک نظامی در اختیار اوکراین قرار داده است. این کشور همچنان با اختلاف، بزرگ‌ترین قدرت نظامی جهان است. طبق آمار رسمی در سال گذشته آمریکا ۸۷۷ میلیارد دلار صرف تسلیحات نظامی کرده است که ۳۹ درصد از هزینه‌های جهانی را در بر می‌گیرد. چین با اختلاف بسیار از آمریکا در رده دوم جهانی قرار دارد. این کشور سال گذشته میلادی ۲۹۲ میلیارد دلار صرف هزینه‌های دفاعی خود کرده است.

به رغم فاصله فاحش چین از آمریکا، مقامات آمریکایی و کارشناسان امنیتی هشدار می‌دهند که پکن در حال گسترش قابلیت‌های نظامی خود است. با این حال این دو قدرت جهانی همچنان از نظر موقعیت نظامی و جغرافیایی تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند. درحالی‌که چین قدرت نظامی خود را بر منطقه اقیانوس آرام متمرکز کرده، به نظر می‌رسد ایالات متحده همچنان مصمم به ایفای نقش جهانی در حفظ امنیت است.

داده‌های مؤسسه بین‌المللی تحقیقات برای صلح که مقر آن در استکهلم سوئد است، نشان می‌دهند در سال گذشته ایالات متحده ۳۹ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهانی را به خود اختصاص داده است. پس از آمریکا، چین با دارابودن ۱۳ درصد از کل هزینه‌های نظامی جهان در جای دوم است. این دو کشور که روابطشان نیز در ماه‌های اخیر در ارتباط با جزیره تایوان بسیار پرتنش شده، به‌تنهایی بیشتر از نیمی از بودجه دفاعی ـ نظامی جهان در سال ۲۰۲۲ را در اختیار دارند.

روسیه با ۳.۹ درصد، هند ۳.۶ درصد و عربستان سعودی با ۳.۳ درصد در جایگاه‌های بعدی کشورهایی هستند که در سال گذشته میلادی بیشترین هزینه را برای مجهزکردن ارتش صرف کرده‌اند. قاره اروپا پس از کسر تورم، ۱۳ درصد بیشتر از سال گذشته میلادی در زمینه‌های دفاعی هزینه کرده است. در این قاره، بریتانیا با ۳.۱ از کل بودجه دفاعی جهان در جایگاه اول است. پس از این کشور، آلمان با ۲.۵ و فرانسه با ۲.۴ درصد قراردارند. در اروپا همچنین کشورهایی مانند لهستان، هلند و سوئد ازجمله کشورهایی هستند که بیشترین سرمایه‌گذاری نظامی را به نسبت یک دهه اخیر تاریخ خود انجام داده‌اند. در ماه گذشته، گزارش دیگری از «سیپری» نشان داد که واردات تسلیحات به اروپا در سال ۲۰۲۲ تقریبا دو برابر شده است. بیش از ۹۳ درصد این واردات مستقیما راهی اوکراین شده است.

# روایتی نادرست درباره ملی شدن نفت

ادامه از صفحه اول

گفتنی است که سهم «سهامداران عادی» شرکت نفت انگلیس در آن دوره تنها ۲۴ درصد بود (۵۱ درصد سهام به دولت انگلیس و ۲۵ درصد به شرکت نفت برمه تعلق داشت) و آن نیز مازاد بر رقم مذکور که مبلغ ناچیزی می‌شد. این تغییر مهم خیال کمپانی انگلیسی از فصل دهم امتیازنامه دارسی که شرکت را به پرداخت سود ۱۶درصدی از کل فعالیت‌های کمپانی در داخل و خارج ایران متعهد می‌کرد، راحت می‌کرد. البته مشکل این قرارداد به این ختم نمی‌شد. این قرارداد بنیان حقوقی امتیاز دارسی را نیز دگرگون کرد: قرارداد به تصویب مجلس ایران رسید و ادعای ایران مبنی بر اینکه قرارداد دارسی امتیاز یک شاه مستبد به یک شرکت استعماری بوده، بی‌اعتبار شد. ماده ۲۱ «اصل ثبات» یعنی منع هرگونه تغییر در اساس قرارداد را تثبیت کرد. در بحث حکمیت نیز درحالی‌که امتیاز دارسی تابع قوانین ایران بود، قرارداد ۱۹۳۳ قرارداد را تابع ماده ۳۸ دیوان داوری دائمی بین‌المللی قرار داد. این تضییقات حقوقی بعدا بسیار پررنگ‌تر در قرارداد کنسرسیوم هم تکرار شد؛ اما مهم‌ترین مشکل قرارداد ۱۹۳۳ تمدید ۳۲ساله آن تا ۱۹۹۳ بود. درحالی‌که امتیازنامه دارسی در ۱۹۶۱ منقضی می‌شد و مطابق مفاد آن همه تأسیسات و دارایی شرکت بدون مابازایی به ایران منتقل می‌شد. تمدید قرارداد و لغو شراکت حقیقی ۱۶درصدی دو موضوعی بود که شرکت نفت انگلیسی مطابق اسناد از ۱۹۱۷ دنبال می‌کرد. بی‌دلیل نیست که تقی‌زاده یعنی کسی که امضایش پای قرارداد ۱۹۳۲ بود، در دفاع از اعتبارنامه‌اش در بهمن ۱۳۲۷ در مجلس ۱۵ گفت: «تقصیر آلت فعل نبود، بلکه تقصیر فاعل بود که بدبختانه اشتباهی کرد و نتوانست برگردد». او گفت: من و مرحوم داور از بابت امضای قرارداد «متأثر، متأسف، متألم و ملول شدیم». آنچه به قول تقی‌زاده سبب این خسارت بزرگ شد، خلق‌وخوی رضاشاه و بی‌اطلاعی او بود. شاه در ششم آذر ۱۳۱۱ با عصبانیت وارد جلسه هیئت دولت شد، پرونده نفت را خواست، آن را گرفت و در بخاری انداخت و گفت: «نمی‌روید تا امتیاز نفت را لغو کنید». نهایتا اعزام نیروهای انگلیسی به حوالی آبادان و برخی ناآرامی‌ها در یکی دو ایل، رضاشاه را نگران تاج و تخت کرد و شد آنچه نباید می‌شد.

۳- بحث دیگر جناب طاهری درباره «دکتر نه یا doctor no» نیز تماما نادرست است. پیشنهادهایی که طرف غربی به ایران داد، دو هدف را دنبال می‌کردند: کنترل صنعت نفت ایران یا تحمیل غرامت عدم‌النفع. ایشان شاید کتاب جورج مک‌گی Mcghee، معاون وقت وزارت خارجه آمریکا، تحت عنوان Envoy to the Middle World را نخوانده باشند. مک‌گی در این کتاب به تفصیل به مذاکراتی که در مدت ۸۰ ساعت در ۲۰ روز (ص. ۳۹۱) با مصدق در جریان سفر او به آمریکا داشت، پرداخته است. به گفته مک‌گی «مصدق اصرار داشت که مسئله غرامت باید نخست حل شود. او به مجلس ایران قول داده بود که به پرزیدنت ترومن اختیار خواهد داد تا غرامت منصفانه را تعیین کند» (ص. ۳۹۵). مک‌گی همچنین از آمادگی مصدق برای پذیرش تکنیسین‌های سابق شرکت نفت انگلیس در ظرفیت شخصی و به‌عنوان مدیران بخش‌های مختلف، ارائه تخفیف به خریداران سابق، تعیین مدیر ارشد عملیات نفتی از بین اتباع هلندی یا آمریکایی یا هر کشور دیگر غیر از انگلیس، تعیین اعضای هیئت‌مدیره شرکت نفت ملی‌شده مرکب از سه ایرانی و چهار مدیر غیرایرانی بی‌طرف سخن می‌گوید (ص. ۳۹۴). مک‌گی نهایتا ضمن شرح مفاد توافقی که با مصدق حاصل کرد، می‌گوید که «این قیمت ۱.۱۰ دلار یک امتیاز بزرگ از جانب مصدق بود که موجب گشایش در کار مذاکرات شد و یک حاشیه سود بسیار بالا برای شرکت سابق نفت انگلیس فراهم می‌کرد». او می‌افزاید که «با این توافق، ما بیش از حد نسبت به امکان کسب موافقت دولت جدید چرچیل در انگلیس خوش‌بین شدیم» (ص ۴۰۲). مک‌گی اضافه می‌کند: «آچسن، وزیر خارجه وقت آمریکا، با این توافق که مورد حمایت آمریکا بود، برای گرفتن موافقت آنتونی ایدن، وزیر خارجه وقت انگلیس که در پاریس بود به آن شهر رفت؛ اما ایدن فورا و به‌سرعت با طرح مخالفت کرد». به گفته مک‌گی، ایدن به آچسن گفته بود «معتقدند که در هر حال هرگز ممکن نیست به توافق مناسبی با مصدق رسید و ترجیح می‌دهند تا به انتظار سقوط دولت مصدق بنشینند، به این امید که با جانشینش که قابل کنترل‌تر tractable باشد، به توافق برسند. نظر آنها این بود که اگر با او مذاکره کنند و نتیجه نگیرند، تنها موجب تقویت او خواهند شد» (ص ۴۰۲). پس از رد طرح مک‌گی-مصدق از طرف انگلیس، پیشنهاد بانک جهانی در دی ۱۳۳۰ مطرح شد.

نیکلاس گرجستانی مستندترین شرح را راجع به این پیشنهاد در فصل هفتم کتاب (A Head of Their Time) که بر مبنای اسناد از طبقه‌بندی خارج‌شده بانک جهانی نوشته شده، به دست داده است. مطابق این کتاب، پیشنهاد در جریان مذاکرات سه‌هفته‌ای دو نفر از مدیران شرکت سابق نفت (اسنو و گس) با مقامات بانک جهانی تهیه شد و دو نکته کلیدی آن بازگشت تکنیسین‌های انگلیسی (و نه ترکیبی از تکنیسین‌های اروپایی و آمریکایی) به ایران و امضای توافق از طرف دولت ایران و شرکت سابق نفت بود که مغایر با قانون ملی‌کردن صنعت نفت ایران بود. مصدق در گزارشی که در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۳۱ به مجلس سنا داد، همین دو نکته را علت شکست مذاکرات دانست. درباره این پیشنهاد بین مشاوران و حامیان مصدق اختلاف نظر وجود داشت و برخی معتقد به لزوم پذیرش آن بودند. پیشنهاد دیگری که به مصدق داده شد، پیشنهاد چرچیل-ترومن مورخ ۲۹ آگوست ۱۹۵۲ بود. علت اصلی اختلاف بین ایران و انگلیس درباره این پیشنهاد، اصرار انگلیس بر «غرامت به خاطر از دست رفتن کسب‌وکار یا عدم‌النفع» تا زمان اعتبار قرارداد قبلی یعنی تا سال ۱۹۹۳ بود. مطابق این پیشنهاد دولتین ایران و انگلیس باید از دیوان دادگستری بین‌المللی درخواست می‌کردند که غرامت را «با در نظر گرفتن وضع حقوقی طرفین بلافاصله قبل از ملی‌شدن نفت» تعیین کند و این یعنی قرارداد ۱۹۳۳ مبنا قرار گیرد. به‌علاوه، دو دولت ایران و انگلیس طرف دعوا قرار می‌گرفتند که دیوان قبلا خود را واجد صلاحیت برای پرداختن به آن ندانسته بود. با این حال مصدق در مذاکراتی که تا فوریه ۵۳ از طریق سفیر آمریکا در تهران انجام داد، تقریبا در همه حوزه‌ها کوتاه آمد و امتیاز داد، جز درباره «غرامت عدم‌النفع». حتی در این مورد نیز مصدق در آستانه کوتاه‌آمدن بود، به شرط اینکه انگلیس مبلغ مورد ادعای خود برای غرامت را اعلام کند. پاسخ انگلیس در ۲۷ فوریه ۵۳ این بود که پیشنهاد مصدق را نمی‌پذیرد و از آمریکا نیز خواست تا دیگر با مصدق مذاکره نکند. و این در زمانی بود که طرح کودتا در حال پیشرفت بود.

**نگاه**

## آمریکا و درس‌های عراق

هگل می‌گوید: «تاریخ، تاریخ جنگ‌هاست، صلح تاریخی ندارد». از نظر هگل، تاریخ تنها روایت رویدادهایی نیست که در واقعیت زندگی یا پس پرده سیاست رخ می‌دهند، بلکه آخرین داور نیز تاریخ است (هگل در پی پیروزی‌های ناپلئون بناپارت، به او بسیار امید بسته بود و آرزوهای زیادی در سر می‌پروراند، اما پس از شکست‌های پیاپی ناپلئون سرخورده و ناامید شد). از حمله آمریکا به عراق و اشغال آن ۲۰ سال می‌گذرد، اما جدال درباره آن در آمریکا و جهان تا امروز ادامه دارد. درباره عوامل و علل این جنگ دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ دیدگاه اول حمله به عراق را یک ضرورت می‌داند و دیدگاه دوم آن را یک گزینه. هر دو دیدگاه تلاش می‌کنند عوامل و علل این جنگ را بررسی و ارزیابی کنند، اشتباهات آن را برشمارند، نتایج و پیامدهای آن را به‌رغم سیال‌بودنشان نشان دهند و درس‌هایی را که می‌توان از آن آموخت، برجسته کنند. دیدگاه‌های یادشده به پرسش‌هایی که همواره درباره حمله آمریکا به عراق مطرح شده است و می‌شود، پاسخ‌هایی متفاوت ارائه می‌کنند. پرسش‌ها از این قرار هستند:

آیا انگیزه جورج بوش پسر، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، برای حمله به عراق، تنفر او از شخص صدام‌حسین و باورش به وجود سلاح کشتارجمعی در عراق و تهدید آن برای امنیت ملی آمریکا بود؟ یا اینکه انگیزه او و نومحافظه‌کاران این بود که دموکراسی را در عراق اجرا و ساختاری نو برای خاورمیانه پی‌ریزی کنند؟ یا این جنگ مطابق خواست لابی‌گران صهیونیست به منظور برآورده‌کردن منافع اسرائیل راه‌اندازی شده بود؟ یا دستیابی به نفت عراق، انگیزه اصلی حمله آمریکا به عراق بود؟ آیا این کار با تأثیرپذیری از تئوری توطئه صورت گرفت؟

طرفداران دیدگاه اول می‌گویند پس از وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک و واشنگتن و حمله به افغانستان برای نابودکردن القاعده، حمله به عراق ضروری و اجتناب‌ناپذیر شده بود؛ زیرا افزون بر اینکه فرصت برای آوردن تغییر در خاورمیانه فراهم شده بود، هدفی خوب و مناسب نیز به دست آمده بود که آمریکا می‌بایست برای تحقق آن، برخی از نیروی عظیم خود را به کار می‌انداخت. طرفداران این دیدگاه در عین حال بر اشتباهات آمریکا در عراق انگشت می‌گذارند و مواردی همچون بی‌خبری از ماهیت بافت اجتماعی عراق، منحل‌کردن ارتش عراق، ناتوانی در تأمین امنیت و ثبات و گشودن راه برای افزایش نفوذ ایران در عراق را ازجمله این اشتباه‌ها می‌دانند.

طرفداران دیدگاه دوم می‌گویند تصمیم این جنگ بر بنیان اطلاعات غلط و محاسبات نادرست گرفته شد. صدام‌حسین سلاح کشتارجمعی نداشت؛ زیرا آن را قبلا نابود کرده بود. صدام‌حسین کمک‌کردن به القاعده را هم نپذیرفته بود؛ درحالی‌که جنگ آمریکا، القاعده را رشد داد و تقویت کرد تا سربازان آمریکایی را بکشد. این جنگ زمینه را برای تولد «داعش» از رحم القاعده نیز فراهم کرد و تحمیل دموکراسی با زور در خاورمیانه نیز اشتباه دیگری بود که بر آرزوهای سوررئالیستی استوار شده بود. تازه‌ترین کتاب درباره حمله آمریکا به عراق، کتاب «رویارویی با صدام‌حسین» نوشته ملوین لفلر، تاریخ‌نگار و دیپلمات است. او در این کتاب، نقش نومحافظه‌کاران در حمله آمریکا به عراق را اندک می‌داند و می‌گوید کسانی که در این ماجرا نقش اساسی داشتند، جورج بوش پسر، رئیس‌جمهوری آمریکا، دیک چینی، معاون او و دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا بودند. اینها همه محافظه‌کاران ملی بودند، نه نومحافظه‌کاران. او می‌افزاید جورج بوش اوایل سال ۲۰۰۱ درخواست پل ولفوویتز مبنی بر حمله به عراق را رد کرده بود. به گفته نویسنده کتاب «رویارویی با صدام‌حسین»، این جنگ یک تراژدی بود که بر اساس تصمیم نادرست جورج بوش آغاز شد و با تصمیم نادرست باراک اوباما مبنی بر خروج سریع همه نیروهای آمریکایی از عراق، به دلیل مخالفت با نوری المالکی، نخست‌وزیر، عمق و گسترش بیشتری یافت. نویسنده کتاب از باراک اوباما هم انتقاد کرده است که چرا پس از انتشار شایعه استفاده رژیم بشار اسد از سلاح شیمیایی، در سوریه مداخله نظامی نکرد.

پروفسور هال براندز، استاد مسائل جهانی در مدرسه مطالعات پیشرفته بین‌المللی متعلق به دانشگاه جان هاپکینز، کتاب یادشده را مرور کرده و شماری از درس‌هایی را که به گفته نویسنده این کتاب، واشنگتن از اشغال عراق آموخته، برجسته کرده است. یکی از این درس‌ها این است: «راهبرد آمریکا باید بر بنیان ایجاد توازن میان ممکن و غیرممکن استوار باشد». درس دوم عبارت است از «پی‌بردن به اهمیت تصحیح اشتباهات و اینکه اشتباهات قدرت‌های بزرگ هرقدر بزرگ باشد، کشنده نیست». درس سوم که کاربرد بلندمدت دارد، این است که «هیچ ضمانتی وجود ندارد که حتی در شرایط خوب، واشنگتن بتواند در زمینه امنیت راهبردی، تصمیم‌های درستی اتخاذ کند؛ اما در شرایط بد، اتخاذ تصمیم‌های نادرست واشنگتن یقینا افزایش خواهد یافت». بسیاری از برداشت‌ها و تحلیل‌ها در خاورمیانه، کارنامه آمریکا را چه در زمان اشغال عراق و چه پس از آن پراشتباه و ناکام می‌دانند؛ این برداشت‌ها بر تصدیق گفتمان آمریکا استوار است و اهداف واشنگتن را به سرنگون‌کردن دیکتاتوری‌ها و گسترش دموکراسی در خاورمیانه منحصر می‌داند.

اما برداشت دیگری نیز وجود دارد که آمریکا را در این کارزار پیروز قلمداد می‌کند. این برداشت بر این باور استوار است که منظور آمریکا از حمله به عراق این بود که خاورمیانه را چندپاره کند و آتش جنگ‌های داخلی و کشمکش‌های سیاسی، فرقه‌ای و مذهبی را در آن برافروزد که البته در تحقق این اهداف موفق بوده است. اکنون در واقعیت روی زمین هم دیده می‌شود جاهایی که هدف مداخله و اشغال آمریکا قرار گرفته‌اند، به اماکن نفوذ و رقابت سه قدرت منطقه‌ای تبدیل شده‌اند.

منبع: Independent

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو 206TU3 رنگ سفید مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۹۹ - ۵۷۳ ل ۵۴ و شماره موتور 182A0002914 و شماره شاسی NAAP03EE8HJ084037 به نام **مهرداد ادیبی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب شهرام قاسمی** فرزند ابراهیمعلی به شماره شناسنامه ۱۷۵۰ صادره از همدان در مقطع کارشناسی رشته مهندسی کامپیوتر صادره از واحد دانشگاهی آزاد همدان حسن آباد با شماره سریال ۰۸۱۹۶۹۲ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان حسن آباد به نشانی همدان شهرک مدنی بزرگراه امام خمینی خیابان دانشگاه آزاد ۲ راهی شورین به سمت دانشگاه ازاد واحد حسن آباد همدان ارسال نمایید.

مدرک کارشناسی فارغ التحصیلی اینجانب: **فرناز بیدارمغز** فرزند: علی اصغر به شماره شناسنامه: ۳۶۴۴۴ صادره از تهران در مقطع: کارشناسی رشته: مترجمی زبان انگلیسی صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب به شماره: ۳/۱۹۴۴۶-۰۳/۰۸ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران، خیابان کریم خان زند- خیابان ایرانشهر شمالی- نبش آذر شهر پلاک ۲۰۹ و یا کد پستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

**آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده شرکت لوازم خانگی پارس بهشرق با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۷۳۱۵۶ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۸۰۶۵۰**

بدینوسیله از کلیه شرکاء شرکت لوازم خانگی پارس بهشرق با مسئولیت محدود دعوت به عمل می آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده در تاریخ ۱۴۰۲/۰۲/۱۶ روز شنبه ساعت ۱۰:۰۰ با دستور جلسه : «انتخاب اعضای هیئت مدیره و تعیین سمت اعضای هیئت مدیره و دارندگان حق امضاء» در محل شرکت به آدرس: تهرانپارس، بین فلکه دوم و سوم، خیابان ۱۸۶ غربی (علیرضا لرستانی)، پلاک ۲، واحد ۵ به کدپستی: ۱۶۵۳۸۹۸۳۱۷ تشکیل می شود حضور بهم رسانند.
هیئت مدیره

**آگهی ابلاغ تصمیمات مجمع عمومی عادی مالکان ساختمان F۳ واقع در مجتمع مسکونی آبشار (نوبت سوم) به مالکین غایب**

بدین وسیله (نوبت سوم) مجمع عمومی عادی مالکین محترم ساختمان F۳ واقع در مجتمع مسکونی آبشار به آدرس: تهران- اتوبان خرازی —بلوار نهاوند — کوچه کیوان ، جنب رزمال در روز جمعه مورخ ۱۴۰۲/۰۱/۱۸ ساعت ۰۹:۳۰ صبح در محل لابی ساختمان F۳ تشکیل و با رسمیت یافتن آن طبق صورتجلسه تنظیم شده مصوباتی به شرح ذیل به تصویب اعضای حاضر در مجمع رسید : ۱ – تصویب صورتهای مالی منتهی به مهرماه ۱۴۰۱ ؛ ۲– تصویب اساسنامه ساختمان F۳ و الزام در اجرای آن توسط هیات مدیره ، کلیه مالکان و ساکنان ؛ ۳– تصویب شارژ جاری برای سال ۱۴۰۲ از قرار هر متر (پنجاه ودوهزار ریال) بابت واحدهای ساکن و از قرار هر متر (چهل وپنج هزار ریال) بابت واحدهای خالی ؛ ۴– تصویب شارژ عمرانی برای سال ۱۴۰۲ جهت انجام ( اصلاح سیستم آبرسانی ساختمان ، اصلاح دوربینها و تجهیزات کنترلی ، زیباسازی لابی و سالن اجتماعات ) از قرار هر واحد هشتاد میلیون ریال که طی چهار فصل از آغاز سال ۱۴۰۲ تقسیط و مالکان موظف به پرداخت آن در ابتدای هر فصل ازسال شدند ؛ ۵– تصویب ۲۵ % جریمه نسبت به بدهی تاخیر در پرداخت شارژ جاری و عمرانی پس از ۲ ماه و محرومیت از امور رفاهی ساختمان و اقدام قانونی (هزینه های حقوقی بعهده واحد بدهکار میباشد) نسبت به واحد بدهکار با تشخیص هیات مدیره ؛ ۶ – بخشودگی یکسال شارژ جاری به اعضای هیات مدیره (جهت عملکرد ) ، بازرس (جهت تنظیم گزارشات ) و همچنین بخشودگی شارژ جاری و عمرانی (منتهی به مهرماه سالهای ۱۴۰۱ و۱۴۰۲ ) به حسابدار ساختمان جهت انجام امور مالی و صورتهای مربوط به عملکرد (منتهی به مهرماه سالهای ۱۴۰۱ و۱۴۰۲ ) بعنوان پاداش ۷– واگذاری و اجرای قوانین و مقررات (طبق مصوبات هیات مدیره) جهت درآمدزایی از مکانهای مشاع ساختمان ودفتر املاک مستقر در مجتمع با درنظرگرفتن رعایت نظم و قوانین ساختمان و حقوق مالکان به هیات مدیره تا پایان عملکرد اجرایی در سال ۱۴۰۲ .

این آگهی ابلاغ ، طبق قانون تملک آپارتمانها به اطلاع و آگاهی غایبان در جلسه میرسد .

**هیات مدیره ساختمان F۳ مجتمع مسکونی آبشار**

برگ سبز و کارت خودرو سواری تیگو۸ رنگ سفید به نام **سیدمحمدقاسمیان** به شماره شاسی NATVBAGZ9M1000211 و شماره پلاک ۲۱ ه ۳۹۲ ایران ۳۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.